

فصلی از یک کتاب

مقدمه و انتخاب: دکتر شادان - فر

مقدمه

اول شهریور روز پزشک و پنجم شهریور روز داروساز است پس بی‌مناسبت نخواهد بود اگر برای دومین بار سری به نوشته‌های محقق سخت کوش آقای محمد تقی سرمدی بزنیم که کاری کارستان انجام داده و تحت عنوان «پژوهشی در تاریخ پزشکی و درمان جهان» مجموعه‌ای ۴ جلدی را با سرمایه شخصی روانه بازار کتاب نموده و چشم مشتاقان را روشن کرده است. در رازی شماره ۱۳۰ - آبان ۷۹ - معرفی کوتاهی از این کتاب - که در آن زمان ۳ جلد آن منتشر شده بود - به عمل آوردیم و به نقل سابقه داروسازی در ایران از جلد دوم آن مجموعه پرداختیم. امسال نیز برای ویژه نامه شهریور منبعی بهتر و جامع‌تر از مجموعه آقای سرمدی نیافتیم که به تاریخچه دانشکده پزشکی و دانشگاه تهران پرداخته باشد. موضوعی که به مناسبت روز پزشک و روز داروساز می‌تواند برای خوانندگان رازی، خواندنی، جذاب و جالب باشد هر چند مجدداً تهیه و مطالعه دوره کامل کتاب فوق‌الذکر را خدمت همه دوستان توصیه می‌کنیم شاید هم در فرصتی مناسب گفتگویی با مولف محترم این اثر ارجمند داشته باشیم که قطعاً مشروح آن را به نظر شما خواهیم رساند.

دانشکده پزشکی و دانشگاه تهران

دارالفنون - نخستین دانشگاه ایران - بیست سال پیش از تاسیس دارالفنون توکیو (ژاپن) و سه سال پس از تاسیس دارالفنون اسلامبول (ترکیه)، در سال ۱۲۶۸ هجری قمری به همت صدراعظم توانا و بزرگ ایران میرزا تقی خان امیرکبیر تاسیس یافت.

دروس اساسی دارالفنون در آن زمان شامل مهندسی، دواسازی، طب و جراحی، توپخانه، پیاده نظام، سواره نظام و معدن‌شناسی بود. این

دروس به زبان فرانسه تدریس می‌شد که توسط مترجمین ترجمه می‌گردید. از محرم سال ۱۲۳۷ هجری قمری (آبان ماه ۱۲۹۷ ه. ش.) رشته طب از دارالفنون جدا شد و به صورت مدرسه مستقلی به نام مدرسه طب درآمد و به پیشنهاد نصیرالدوله (میرزا احمد خان بدر)، دکتر محمد حسین خان لقمان ادهم (لقمان الدوله) (۱) از طرف احمد شاه قاجار به ریاست آن منصوب شد. از این تاریخ رییس جداگانه و محل جداگانه‌ای در حیاط بزرگ مدرسه دارالفنون که

۷۰ / رازی. سال دوازدهم. شماره ۸ شهریور ۸۰

به «حیاط نظام» معروف بود، پیدا کرد.

در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی مدرسه طب دارالفنون به وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (عمارت ظل السلطان) واقع در نزدیکی بهارستان منتقل گردید و تا سال ۱۳۱۱ در همان ساختمان به فعالیت اشتغال داشت. چون ساختمان مزبور با توجه به افزایش تدریجی دانشجویان، برای مدرسه طب کافی نبود این مدرسه به عمارت سعدالدوله واقع در اول لاله زار نو انتقال یافت. تا این تاریخ مدرسه طب هنوز آزمایشگاه مجهز و کتابخانه و تجهیزات دیگر نداشت. در کتابخانه فقط یک اسکلت تشریح بود، که به دانشجویان قسمتی از اسکلت را به امانت می دادند که در منزل مطالعه کنند که اکثر اوقات امکانات کم و داوطلب زیاد بود.

در سال ۱۳۱۲ این مدرسه به بیمارستان دکتر معتمد واقع در خیابان شیخ هادی که گنجایش بیشتری داشت، منتقل گردید و تا سال ۱۳۱۷ در همان جا بود. لازم به ذکر است دکتر حسین معتمد که تحصیل کرده خارج از کشور بود در خیابان شیخ هادی بیمارستان مجهزی دایر کرده بود. در این بیمارستان یک سرهنگ ارتشی تحت عمل جراحی لوزتین قرار گرفت که منجر به فوتش گردید. بدین جهت بیمارستان تعطیل و به مدرسه طب اجاره داده شد.

مدرسه طب که تحت اداره وزارت معارف بود به ریاست دکتر محمد حسن لقمان ادهم (لقمان الدوله) اداره می شد ولی وی به ندرت به مدرسه می آمد و فقط روزها برای تدریس طب داخلی حضور پیدا می کرد. بدین جهت مدرسه را ابتدا دکتر علیم الملک فرهمندی به عنوان معاون و یک رییس دفتر و دو منشی و بایگان اداره

می کردند. کتابخانه کوچکی نیز با حدود دو هزار جلد کتاب به وسیله کتابدار اداره می شد. استادان اغلب پزشکانی بودند که در بیمارستانها از طرف اداره کل صحیه سمت رسمی داشتند. بنابراین معلمان مدرسه طب دو دسته بودند: یک دسته عضو وزارت فرهنگ، که بیشتر دروس نظری را بعد از ظهرها به شاگردان در کلاس می آموختند و دسته دیگر پزشکان مستخدم اداره کل صحیه بودند که در بیمارستانها با سمت رییس درمانگاه کار می کردند و عهده دار تعلیم دروس بالینی بودند.

معلمین مدرسه طب

اسامی معلمین مدرسه طب و موضوع تدریس هر یک را از سال ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۶ به شرح زیر نوشته اند:

دکتر محمد حسین خان ادیب: طب قانونی -

معرفت الانساج (بافت شناسی)

دکتر حسین علی اسفندیاری: تشریح عملی

دکتر جواد آشتیانی: حفظ الصحه - تشریح

عملی

دکتر امیراعلم: تشریح موضعی

دکتر فتح الله اعلم: مفردات طب

دکتر احمد امامی: امراض جلدی

دکتر ابوالقاسم بختیار: جراحی صغیر -

قابلیگی و نسوان

دکتر ادوارد بلر: تشریح عملی

دکتر علی پرتو اعظم: معرفت الاعضا

(فیزیولوژی)

دکتر خسرو پورمختاری: تشریح عملی

دکتر مصطفی حبیبی: معرفت الانساج

دکتر محمد خلعتبری: جراحی صغیر

دکتر ابوالقاسم رسولی: میکروب شناسی

دکتر محسن سیاح: امراض دهان و دندان

دکتر یحیی شمس (لسان الحکماء): کحالی

دکتر محسن شکوه: تشریح

دکتر محمد قلی شمس: گوش و حلق و بینی

دکتر محمد شهراد: تاریخ طب

دکتر اسدالله شیبانی: طفیلی شناسی

دکتر قاسم غنی: معرفت النفس

(پسیکولوژی)

دکتر احمد فرهاد: رادیولوژی و استخوان

شناسی

دکتر جهانشاه صالح: تشریح عملی - قابلیت -

نسوان

دکتر علی فلاتی: تشریح مرضی

دکتر احمد گیلان‌شاه: تشریح عملی

دکتر محمد حسین لقمان ادهم: امراض

عمومی

دکتر سعید مالک: امراض مجاری بول

دکتر ناصر مالک: امراض عمومی

دکتر حسین معتمد: امراض خارجی

دکتر محمود مرشد: فیزیک طبی

دکتر صادق مقدم: شیمی

دکتر مهدی ملک زاده: طب قانونی و

حفظ‌الصحه

دکتر محمد مؤتمن (مسیح الدوله):

طفیلی شناسی (پارازیتولوژی)

دکتر مهدی نامدار: گیاه شناسی

دکتر نصرت الله نصیری: حیوان شناسی،

اصول مداوی

دکتر هاشم هنجن: تشریح عملی

دکتر مرتضی یزدی: جراحی ضروری

دکتر حسین معاون: نسوان و قابلیت

دکتر آرماییس وارطانی: شیمی طبی

دکتر اعتضادالحکماء: قرابادین طبی

دکتر کراندل: میکروب شناسی

اعزام دانشجویان به خارج و اندیشه‌ی ایجاد دانشگاه

اعزام محصل به اروپا یکی از اقدامات مفید و موثری بود که در زمان محمد شاه قاجار آغاز گردید. در آن زمان برای اولین بار پنج ایرانی در اروپا به تحصیل مشغول شدند. در زمان ناصرالدین شاه قاجار سی نفر دیگر برای تحصیل به فرنگ فرستاده شدند و در دوره مظفرالدین شاه عدّه بیشتری اعزام گردیدند ولی کلیه محصلین به خرج خود رفتند و تحصیل کردند و با معلومات علم پزشکی جدید به ایران بازگشتند و منشاء خدمات پزشکی بسیار گردیدند.

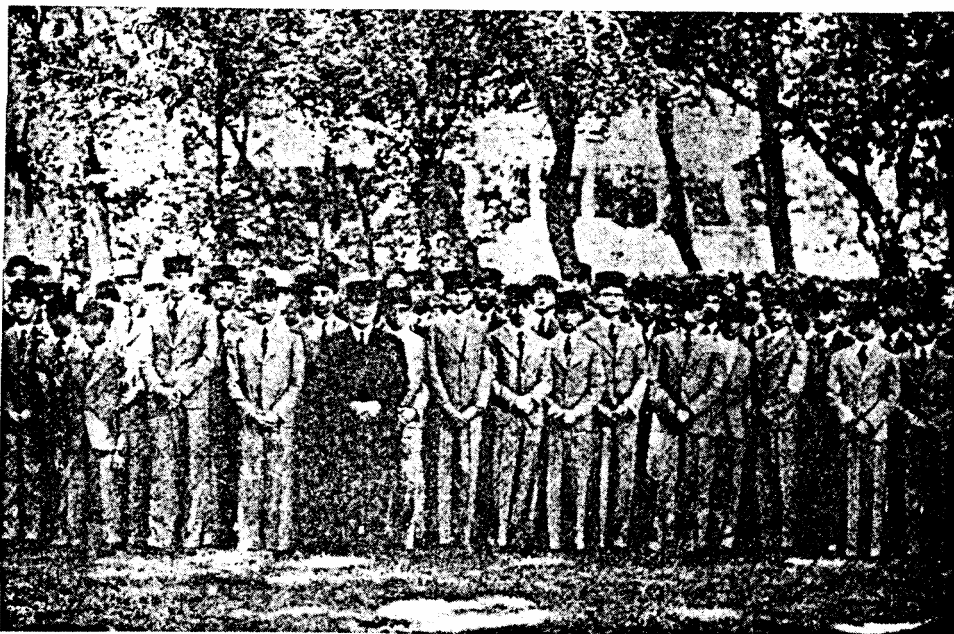
بعد از مشروطیت فکر اعزام محصل به اروپا به خرج دولت در زمامداران آن زمان تقویت شد، و اولین بار در سال ۱۲۹۲ شمسی چهار نفر به خرج دولت به اروپا فرستاده شدند. حکیم الملک در زمان وزارت فرهنگی خود در سال ۱۲۹۴ شمسی لایحه‌ای را به تصویب رسانید که در مدت چند سال ۱۲۰ نفر محصل به خرج دولت به اروپا فرستاده شوند. لذا سال اول ۳۰ نفر و سال‌های بعد هر سال ۲۰ نفر اعزام شدند، اما این لایحه به علت ضعف مالی به طور کامل عملی نگردید!

در سال ۱۳۰۷ شمسی قانون اعزام محصل جهت تحصیل به خارج از کشور به تصویب رسید که مطابق آن به دولت اجازه داده می‌شد که سالی شصت تا صد هزار تومان صرف اعزام

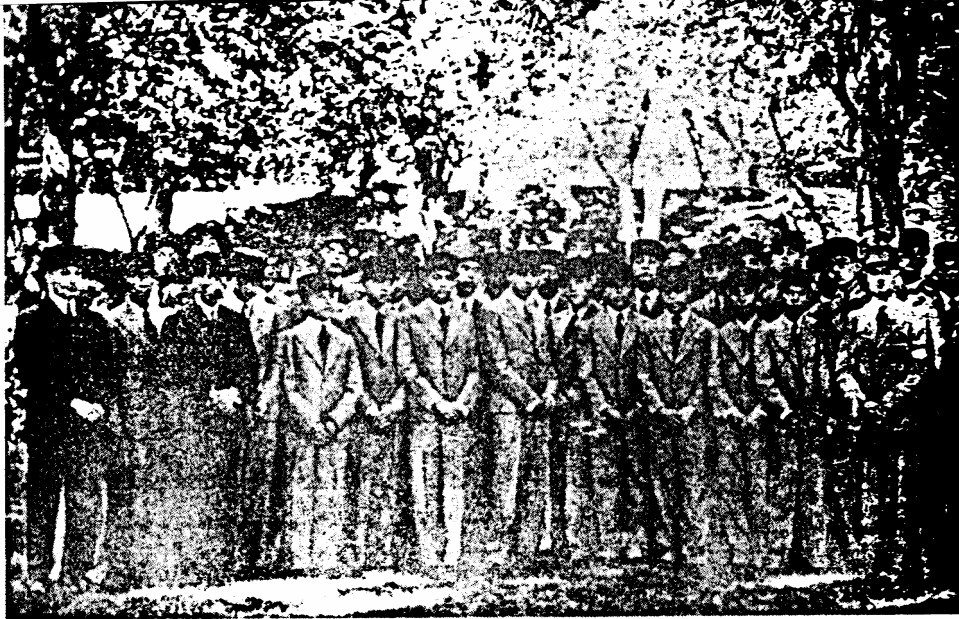
محصل به اروپا نماید. مطابق این قانون که در زمان وزارت فرهنگی اعتمادالدوله قره گوزلو تصویب شد تا سال ۱۳۱۳ شمسی جمعاً هفت دوره محصل به اروپا فرستاده شد که تا آن زمان محصلین ایران به معنی و مفهوم واقعی خود در اروپا تحصیل می کردند، چنانچه تا مدتی پزشکان و مهندسين و استادان مدارس عالی، شاغلین در پست های کلیدی کشور همین تحصیل کرده های اروپا بودند. به عنوان مثال در اولین دوره محصلین اعزامی اشخاصی مانند دکتر سنجابی، دکتر شایگان، دکتر صورتگر، دکتر خلیل ملکی، دکتر مهدی آذر، دکتر محمد علی ملکی، دکتر زنگنه وزیر سابق (که به دست نصرت الله قمی ترور شد)، مهندس فریور، مهندس رضوی، دکتر یازرگان و دکتر رادمنش

بودند.

تا زمانی که اعتمادالدوله قره گوزلو وزیر فرهنگ بود اعزام محصل به طور جدی عمل می شد، زیرا او معتقد بود که ایران کنونی هنوز نمی تواند یک دانشگاه حسابی داشته باشد، باید تمام کوشش صرف مدارس ابتدایی و متوسطه شود و برای تهیه متخصص باید محصل به اروپا فرستاده شود. رضا شاه نیز در ابتدا با این طرز تفکر موافق بود ولی بعدها ذهنش را مشوب ساختند و گفتند محصلین که به اروپا اعزام می شوند همه کمونیست شده و به کشور برمی گردند! در صورتی که این طور نبود. بالاخره مخالفین اعزام محصل به اروپا موفق شدند و رضا شاه قراگوزلو را عزل و علی اصغر حکمت را وزیر فرهنگ کرد.



«سمت راست عکس» ششمین دسته محصلین اعزامی به اروپا



«سمت چپ عکس» ششمین دستهٔ محصلین اعزامی به اروپا

جدید افتادند، اول در سال ۱۳۱۴ دانشکدهٔ فنی را ایجاد کردند و دکتر حسابی را به ریاستش گماردند که محل آن در طبقهٔ فوقانی دارالفنون بود. سپس دانشکدهٔ ادبیات را در جوف دانشسرای عالی به وجود آوردند، و چون باز هم دانشگاه تکمیل نمی‌شد دانشکده معقول و منقول را در مدرسهٔ سپهسالار (سابق) به راه انداختند. بدین ترتیب در روز ۱۵ بهمن ۱۳۱۵ دانشگاه تهران افتتاح شد. ناگفته نماند قانون تاسیس دانشگاه تهران در ۸ خرداد سال ۱۳۱۳ شمسی برابر با ۱۲۵۴ هجری قمری به تصویب مجلس رسید. مدارس که تا این تاریخ در سال‌های مختلف به وجود آمده بودند به شرح زیر فعالیت داشتند:

علی‌اصغر حکمت وقتی بر کرسی وزارت تکیه زد برای خوش خدمتی برنامهٔ اعزام محصل به اروپا را قطع کرد. وی این کار را برای جلب رضایت رضاشاه کرد نه جهت خیر و صلاح کشور!

تاسیس دانشگاه تهران

با توجه به آنچه ذکر شد علی‌اصغر حکمت تصمیم گرفت با پشتیبانی بی‌دریغ رضا شاه هر طور شده دانشگاهی در ایران تاسیس نماید. اما برای انجام این تصمیم دو دانشکده بیشتر دایر نبود: یکی دانشکده طب (مدرسهٔ طب) که کلاسش از زمان ناصرالدین شاه شروع شده بود و دیگری دانشکدهٔ حقوق. و این دو دانشکده برای یک دانشگاه کافی نبودند. بدین جهت به فکر تاسیس دانشکده‌های

نام	سال تاسیس
دارالفنون	۱۲۶۸ هجری قمری
مدرسه علوم سیاسی	۱۳۱۷ هجری قمری
مدرسه فلاحت	۱۳۱۹ هجری قمری
مدرسه طب	۱۳۳۷ هجری قمری
دارالمعلمین مرکزی	۱۳۳۷ هجری قمری
مدرسه حقوق	۱۳۳۹ هجری قمری
مدرسه عالی فلاحت	۱۳۰۱ شمسی
مدرسه تجارت	۱۳۰۵ شمسی
مدرسه دامپزشکی	۱۳۱۱ شمسی (۲)

اما هنوز یک نقص عمده وجود داشت، و آن مدرس واجد شرایط بود که این مشکل نیز بزودی بر طرف شد. در آن موقع استادان دانشگاه جز چند نفر بقیه حتی دیپلم دبیرستان نداشتند، چون دوره تحصیل آنها طوری نبود که بتوانند مدرک تحصیلی متوسطه دریافت دارند. بدین جهت قرار بر این شد که در دانشگاه شورایی تشکیل شود و تحصیلات مدرسین ارزشیابی و به آنان مدارک لازم داده شود. لذا شورا تشکیل شد و طی چند جلسه رای گیری ارزش تحصیلی مدرسین را معادل دکترای تصویب کرد (در واقع خود مدرسین به استاد بودن خودشان رای دادند) به عنوان مثال «یکی از اساتید محترمی که به این ترتیب دکتر شد آقای بدیع الزمان فروزان فر بشرویه ای بودند که دکترای ادبیات شناخته شدند. و انصافاً مرد دانشمندی است، و هکذا نسبت به سایرین که نمی خواهم ذکر نمایم برای این که بعضی از آنها فوت کرده اند (۳)».

روزی در دانشکده حقوق جلسه ای تشکیل شده بود که علی اصغر حکمت وزیر فرهنگ نیز

در آن جلسه حاضر بود، صحبت از دانشگاه و تکمیل و اصلاحات آن به میان آمد، محمود سرشار وکیل دادگستری اجازه صحبت گرفت و گفت: بنده یک پیشنهاد دارم که استدعا می کنم اگر آقای وزیر فرهنگ آن را تصدیق فرمودند مورد توجه قرار دهند. حکمت که مطلب را جدی گرفته بود گفت: «خواهش می کنم بفرمایید با کمال میل آن را عملی خواهم کرد.» سرشار با قیافه جدی گفت: «پیشنهاد من این است که بالای دیپلم دکترای این آقایان استادان این شعر را بنویسید:

نگار من که به مکتب نرفت و خط ننوشت
به غمزه مسئله آموز صد مدرس شد (۴)
به موجب ماده دوم قانون تاسیس دانشگاه تهران شش شعبه برای آن در نظر گرفته شد که هر یک موسوم به «دانشکده» (فاکولته = faculte) است و عبارتند از:

- ۱- دانشکده ادبیات و فلسفه و علوم تربیتی
- ۲- دانشکده پزشکی و شعب و فروع آن
- ۳- دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی
- ۴- دانشکده علوم طبیعی و ریاضی
- ۵- دانشکده معقول و منقول
- ۶- دانشکده فنی

محل و مساحت دانشگاه تهران

دانشگاه تهران در زمین های جلالیه بنا شده که در تاریخ پنجم خرداد ۱۳۱۲ هجری شمسی در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۸ تهران خریداری شده و به شرح زیر ثبت گردیده است:

خریدار: وزارتین معارف و دارایی.
مالکین: حاج رحیم آقا تاج معروف به اتحادیه و صفار ارباب گیو و مادر آنها.
مورد معامله: دویست و دو هزار و چهار گز

مربع به انضمام شش دانگ قنات جلالیه که در آن تاریخ مخروبه و بی آب بوده و به انضمام یک دستگاه بنای موجود در وسط اراضی مذکور.

حدود زمین: از شمال به سرحد اراضی جلالیه و امیر آباد، از غرب به سرحد اراضی جلالیه و جمشید آباد، از جنوب به خیابان چهل گزی معروف به خیابان شاهپور جدیدالاحداث، و از شرق به اراضی بیاض جلالیه.

قیمت: نود هزار و نهصد و یک تومان و هشت قران.

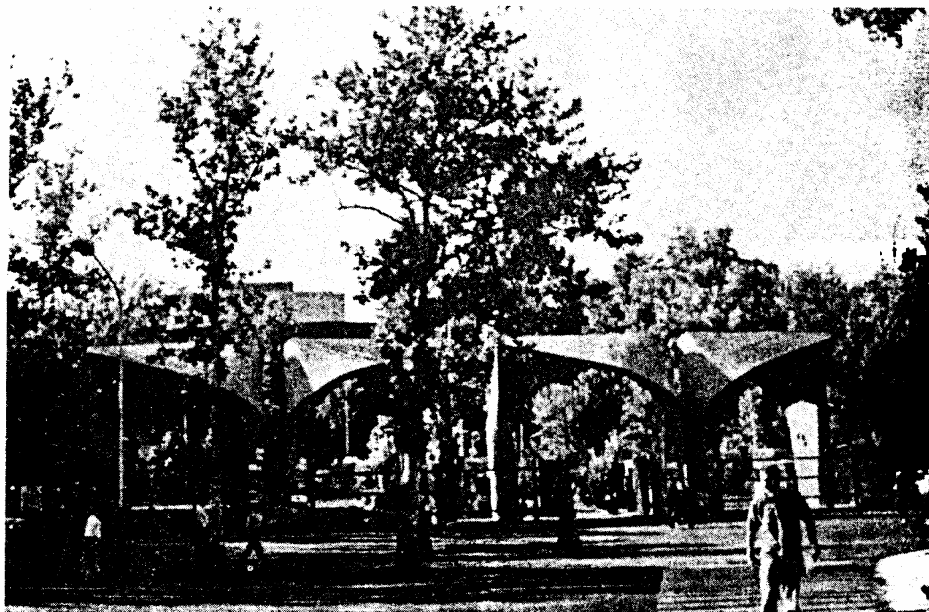
در ضمن شش دانگ قریه قیدار و پنج دانگ و نیم قریه زواج واقع در زنجان املاک موقوفه دانشگاه تهران است. (۵)

تالار تشریح دانشکده پزشکی تهران

نخستین کلنگ بنای دانشکده پزشکی در سوم تیر ماه ۱۳۱۳ زده شد. تالار تشریح در ۱۵ بهمن همان سال آماده شد. در این تاریخ تالار مزبور به عنوان نخستین مکان تشریح پزشکی افتتاح گردید و در ضمن لوحه یادبود تاسیس دانشگاه نیز طی تشریفات خاص در جعبه‌ای از سنگ مرمر به زمین سپرده شد. این امانت در حفره‌ای به عمق یک متر و نیم در زیر محلی که پله‌های مرکزی دانشکده پزشکی بنا گردیده، در وسط ضلع شمالی دانشگاه نهاده شد. بدین ترتیب دانشگاهی که می‌بایستی سال‌ها پیش از آن، تاسیس می‌گردید، بنیان گذاشته شد (۶).



درب ورودی تالار تشریح دانشکده پزشکی دانشگاه تهران (۱۳۱۶).



دانشگاه تهران (۱۳۷۸).

منابع:

۱. به دانشگاه خوش آمدید، دانشگاه تهران، سال تحصیلی ۵۲-۱۳۵۲، صفحه ۳.
۲. تهران در گذشته و حال، دکتر حسین کریمیان (استاد دانشگاه ملی ایران)، انتشارات دانشگاه ملی ایران، چاپخانه رامین، صفحه ۳۱۰.
۳. خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صد ساله، حسن اعظام قدسی، جلد اول، انتشارات ابوریحان، تهران، ۱۳۴۹، صفحه ۲۷۷-۲۷۸.
۴. همان کتاب، همان صفحه.
۵. تهران در گذشته و حال، دکتر حسین کریمیان، انتشارات دانشگاه ملی ایران، صفحه ۲۹۸.
۶. منابع مورد استفاده در فصل شانزدهم تحت عنوان «دانشکده پزشکی و دانشگاه تهران»:
تاریخ پیشرفت‌های پزشکی در هفتاد سال اخیر ۱۳۰۰ الی ۱۳۷۰، دکتر ابراهیم سعادت، صفحه ۲۵۸-۲۶۷، دانشکده پزشکی، داروسازی، دندانپزشکی، بیمارستان‌ها و آموزشگاه‌های وابسته، صفحه ۲۰-۳۶۰، فرهنگ فارسی، دکتر محمد معین جلد‌های پنجم و ششم اعلام.

